

اصالت اعتقاد به امام مهدی (عج) نزد علمای اهل سنت

<?xml encoding="UTF-8">

خداوند متعال می فرماید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (الانبیاء 105)
" در " زبور " بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: "بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد" "
مقصود از این آیه چیست؟ منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا ارث می برند، چیست؟ و این آیه چه زمان تحقق خواهد یافت؟ چه زمان بندگان صالح خدا زمین را به ارث خواهند برد؟ و آیا چنین چیزی محقق خواهد شد؟ حاشا که سخن خدا دروغ باشد، ممکن نیست خدا قضیه ای را بیان نماید و محقق نگردد.
پس محققاً زمانی خواهد آمد که تمام کره زمین با توجه به نص صریح قرآن از آن عباد صالح خداوند شود. اما چه زمانی این وعده الهی محقق خواهد شد؟ هر زمان که باشد، آنچه که روشن است تحقق این وعده بدست سید و مولای ما امام مهدی (عجل) است.

باید متذکر شد که اعتقاد به امام مهدی (عج) تنها یک اندیشه شیعی نیست، (آنگونه که برخی تصور می کنند)، بلکه مسأله ای است که همه ادیان به آن ایمان دارند، برادران اهل سنت ما نیز به این اندیشه ایمان داشته و کتب متعددی به رشته تحریر در آورده اند که محتوی اخبار مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد. این افکار زاینده خیال عده ای نیست تا جایی که بعضی می گویند و ما را متهم به خیال پردازی می نمایند، زیرا این اعتقاد با روایتی از رسول گرامی اسلام رسیده که خداوند در موردش فرموده : لا ينطق عن الهوى إن هو إلاّ وحي يوحى، رسول الله (ص) فرموده اند: مهدی با آمدنش زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.

آنچه برادران اهل سنت ما در مورد امام منتظر عجل الله فرجه نوشته اند شامل کتابهای بسیاری می شود که در ذیل به عناوین برخی از این کتابها اشاره می کنیم:

- 1- ابو نعیم اصفهانی (از بزرگان علمای اهل سنت)، سه کتاب به نام های مناقب المهدی، صفات مهدی و کتاب چهل حدیث را در مورد امام مهدی (عج) نوشته است.
- 2- جلال الدین سیوطی (صاحب تألیفات متعدد و تفسیر معروف) دو کتاب به نام های العرف الوردی فی اخبار المهدی و علامات مهدی نوشته است.
- 3- حماد بن یعقوب الرواجنی، اخبار مهدی.
- 4- ابن حجر عسقلانی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر
- 5- محمد بن یوسف الكنجدی الشافعی، البیان فی أخبار صاحب الزمان
- 6- ملا علی المتقی الهندی، صاحب کتاب کنز العمال، که این کتاب یکی از مهمترین کتب در بحث مورد نظر است، و نیز البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان
- 7- علی بن سلطان الهروی الحنفی، المشرب الوردی فی أخبار المهدی
- 8- برادران اهل سنت ما در جواب ابن خلدون که اعتقاد به امام مهدی را انکار نموده، کتابهای زیادی نوشته اند، مثلاً أحمد بن محمد بن صدیق المغربي کتاب "إبراز الوهم المکنون من كلام ابن خلدون" را نوشته که نام دیگر این کتاب "المرشد المبدي لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی" می باشد.

9- شهاب الدین الحلوانی الشافعی منظومه ای مشتمل بر پنجاه و پنج بیت حول اوصاف امام مهدی با استفاده از احادیث نبوی شریف به رشته نظم در آورده که آن را "القطر الشهیدی فی أوصاف المهدی" نامیده است.

10- محمد البلبیس شافعی محدث معروف، در شرح منظومه شهاب الدین الحلوانی کتابی با عنوان "العطر الوردی بشرح القطر الشهیدی" نوشته است.

11- شمس الدین سفارینی نابلسی، کتاب لوائح الأنوار البهیه وسواطع الأسرار الأخریه، را در شرح أرجوزه ای در موضوع امام مهدی با نام الدرة المضیة فی عقیده الفرقة المرضیة لشمس الدین السفارینی، نوشته است.

12- شیخ بهائی قصیده ای معروف با نام وسیلة الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان دارد که أحمد بن علی حنفی یکی از أحد علمای برادران اهل سنت در شرح آن کتابی با نام "فتح المنان فی شرح قصیده الشیخ البهائی المعروفة بوسیلة الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان" تحریر نموده است.

احادیث نبی اکرم(ص)، نزد اهل سنت، در موضوع امام مهدی عجل الله فرجه: رسول الله (ص) فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنچنان طولانی می کند تا مردی از اهل بیتم را برانگیزد که همنام من است و او زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. (1)

هر کدام از کتب حدیث یا تفسیر یا تاریخ اسلامی شیعه یا سنی را باز کنیم احادیث فراوانی خواهیم یافت که در موضوع ظهور مهدی و اشارات امام بقیة الله عجل الله فرجه وارد شده و در آنها دهها حدیث پیرامون: چشم، بینی، مو، قد و قامت و حتی دندانهای ایشان و ... در اوصاف امام حجت منتظر عجل الله فرجه با دقتی فوق تصور آمده است. (2) و آنچه که از حوادث آخر الزمان روی خواهد داد و اینکه چگونه حکم ایشان به عدل و داد جاری خواهد شد و چگونه خدای سبحان او را بر خواهد انگیزد و حق و اهل آن را توسط او یاری خواهد داد، مثلاً نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: او پول ها را به طور یکسان تقسیم خواهد کرد. (3) و اینها هرگز خیال نیست، بلکه واقعیت است، چرا که سخن رسول الله صلی الله علیه و آله است، همان پیامبری که برای امتش اخبار آسمانی می آورد و به ما از اخبار آخرت و ملل گذشته خبر داده، برای ما از آینده نیز خبر داده، همان که از قضیه امام حسین (ع) (4) و قضایای مربوط به امام علی (ع) و غصب حق ایشان با دقت تمام خبر داده (5) و اینکه وی با سه گروه ناکثین و قاسطین و مارقین می جنگد (6) و چگونه در محراب نماز به شهادت می رسد (7) همه این اخبار با همان دقتی که روایت شده بود واقع شد، و همین گونه نیز اخباری که وی از امام حجت عجل الله تعالی فرجه خبر داده، روی خواهد داد.

بزرگان علمای اهل سنت که درباره امام مهدی (روحی لتراب مقدمه فداء) نوشته اند:

- قدیمی ترین مؤلف سنی که به عقیده امام مهدی پرداخته، حفاظ نعیم بن مروزی متوفی سال 227 هـ. است که کتاب "الفتن و الملاحم" را نوشته و او از شیوخ بخاری و دیگر کتب صحاح است.

- سخنی از امام ابی الحسن علی بن اسماعیل اشعری. متوفی سال 324 هـ. در کتابش با عنوان مقالات

الاسلامیین نقل شده است و این اشعری مذهب سنی که هیچ ارتباطی با مذهب شیعه دوازده امامی ندارد،

(خصوصاً در آن زمان که ممکن نیست تصور کنیم این فرد برای کسب قدرت یا پول به نفع شیعه، سخنی

چاپلوسانه و تملق آمیز به زبان آورده باشد)، او در کتابش که فرهنگنامه ای کوچک و کم حجم است، از ملل و

نحل سخن می گوید، در مورد طایفه شیعه می گوید: "همانا علی بن محمد بن علی بن موسی بر امامت فرزندش

حسن بن علی بن محمد بن موسی تصریح نموده است، او در سامرا زندگی می کرد و حسن بن علی بر

امامت فرزندش محمد بن الحسن بن علي که نزد ایشان غائب منتظر است ادّعا مي کنند روزي ظهور مي کند و زمين را پر از عدل و داد خواهد نمود بعد از اينکه از ظلم و جور پر شده باشد".

- سخن نسب شناس مشهور (ابو نصر سهل بن عبد الله بن داود بن سلمان بن ابان بن عبد الله بخاري) از علماي اعلام قرن چهارم هجري در کتابش با نام "سّر السلسلة العلويّة" مي گويد: اماميه به اين خاطر نام پسر امام علي النقي الهادي را جعفر کذاب گذاشته اند که او ادّعا کرد ميراث برادرش حسن (امامت امام حسن عسکري) از آن اوست، نه از قائم حجت (عجل).

- سخن امام الذهبي، امام شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان اذهبي در "سير اعلام النبلاء و تاريخ الاسلام" و نيز در "العبر في خبر من غبر الامام الذهبي" در جلد اول اين کتاب، مؤلف وقائع تاريخي 260 سال از آغاز سيره نبوي تا سال 772 و وفيات الاعيان و مراتب آنان را بر حسب ترتيب تاريخي بيان مي کند. و در ضمن آن مي آورد: حسن بن علي الجواد بن محمد بن علي بن علي الرضا بن موسي بن الكاظم بن جعفر الصادق العلوي الحسيني، يکي از ائمه دوازده گانه است که رافضيه معتقد به عصمت آنان هستند و او پدر منتظر محمد صاحب سرداب است.

- الذهبي در کتاب خود تاريخ اسلام مي گويد: حسن بن علي بن محمد بن علي الرضا بن موسي بن جعفر الصادق ابو محمد الهاشمي الحسيني يکي از ائمه شيعه که معتقد به عصمت آنان مي باشند. و به او حسن عسکري گفته مي شود زيرا در سامراء ساکن بود، و به آنجا عسکر گفته مي شد، و او پدر منتظر رافضيه است و مادرش کنيزي بود و اما پسرش محمد بن الحسن است که رافضيه ادّعا مي کنند قائم خلف الحجة است، او در سال پنجاه و هشت يا پنجاه و شش هجري متولد شد و بعد از پدرش دو سال زندگي کرد و سپس ناپديد شد و ادّعا مي کنند که او از چهارصد و پنجاه سال پيش در سرداب باقي است و او صاحب الزمان است و زنده است و علم اولين و آخرين را مي داند و هرگز کسي او را ندیده است، ر.ک سير اعلام النبلاء ج12- ص389-391.

- شمس الدين بن خلّکان در "تاريخ ابن خلّکان" و "وفيات الاعيان" مي گويد: ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکري بن علي الهادي بن محمد الجواد دوازدهمين امام شيعه دوازده امامي معروف به حجت مي باشد و اوست که شيعه معتقدند منتظر و قائم و مهدي و ... مي باشد ولادت او در روز جمعه نيمه شعبان سال دويست و پنجاه و پنج اتفاق افتاد، و آنگاه که پدرش وفات يافت، پنج سال داشت و نام مادرش "نرجس" بود.

- شيخ عبد الله الشبراوي در کتاب "الاتحاف بحبّ الاشراف" به نقل از کتاب "المهدي الموعود المنتظر" از نجم الدين العسکري مي گويد: يازدهمين امام الحسن الخالص به لقب العسکري است که در ربيع الاول سال 232هـ در مدينه (8) متولد شد و در روز جمعه ربيع الاول سال 260 هـ. در بيست و هشت سالگي وفات يافت، همين شرف براي او کافيست که امام مهدي منتظر فرزند اوست.

- امام محمد، "الحجة" پسر امام حسن الخالص در شب نيمه شعبان سال 255هـ. پنج سال قبل از وفات پدرش در سامراء متولد شد، پدرش او را به هنگام تولد مخفي کرد، و اين به خاطر شرايط سخت حاکم و ترس از خلفاي عباسي بود که در آن زمان هاشميان را تعقيب و زنداني مي کردند يا به قتل مي رساندند، چون آنان کساني را که سلطنت ظالمان را نابود مي کنند را به قتل مي رساندند، و او امام مهدي (عج) است، آنطور که او را از خلال احاديثي که از رسول اکرم صلي الله عليه و آله به آنان رسيده معرفي کرده اند.

-شيخ عبد الوهاب شعراني در کتاب اليولقيت و الجواهر ص145. سال 1307 هـ. مي گويد: مهدي عليه السلام از اولاد امام حسن عسکري عليه السلام است و تولد او در شب نيمه شعبان سال دويست و پنجاه و پنج بود و او

باقی خواهد بود تا آنکه با مسیح ابن مریم علیه السلام جمع شوند...

- شیخ سلمان حنفی در ینابیع المودّة به نقل از ابن عبّاس می گوید: شخصی یهودی به نام نعثل نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: ای محمد، از تو درباره چند چیز سؤال می کنم که از مدّت‌ها پیش دلم را به اضطراب و آشفته است، بگو جانشین تو کیست؟ زیرا هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه وصی و جانشینی داشته است و پیامبر ما موسی بن عمران یوشع بن نون را وصی خود قرار داد. پیامبر (ص) فرمود: جانشین من علی بن ابیطالب است و بعد از او، دو نوه ام حسن و حسین و بعد از آنها نه امام از صلب حسین به دنبال هم می آیند. آن مرد گفت: ای محمد، نام‌های آنها را به من بگو!

پیامبر (ص) فرمود: بعد از حسین، پسرش علی، و بعد پسرش محمد، و بعد پسرش جعفر، و بعد پسرش موسی، و بعد پسرش علی، و بعد پسرش محمد، و بعد پسرش علی، و بعد پسرش حسن، و بعد پسرش حجت، محمد المهدی، و اینها دوازده تن هستند... تا آخر حدیث.

- مسعودی در کتاب مروج الذهب می گوید: در سال دویست و شصت ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابن ابیطالب رضی الله عنهم در زمان خلافت معتمد در سن بیست و نه سالگی درگذشت و او پدر مهدی منتظر (عجل) است.

- ابن القیم الجوزی در کتاب "المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف" ج 1/ص 289. بعد از ذکر شماری از احادیث در مورد مهدی منتظر (عجل) می گوید: مردی از اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله و از فرزندان حسن بن علی در آخر الزمان خارج می شود و در آن زمان که زمین از ظلم و جور پر شده باشد، او آن را از عدل و داد پر می کند و اکثر احادیث بر همین مطلب دلالت دارند...الخ. علامه محقق شیخ لطف الله صافی اسامی 65 تن از علمای اهل سنت را که به ولادت مهدی تصریح نموده اند، را ذکر کرده است. (9)

- ابی الفداء در کتاب "المختصر فی اخبار البشر" می گوید: جاسوسان متوکل خبر دادند که نزد علی الهادی که یکی از امامان دوازده گانه امامیه و پسر محمد الجواد است، کتاب و سلاح موجود است، متوکل گروهی از ترکان را به سوی او فرستاد و آنان شبانه و به ناگاه بر او هجوم آوردند و او را در خانه ای در بسته یافتند در حالی که بر او روپوشی از جنس مو بود و رو به قبله نشسته آیات قرآن را در وعد و وعید قیامت تلاوت می کرد و فرشی جز رمل و سنگ زمین نداشت. او را نزد متوکل بردند. متوکل در حال نوشیدن جام شراب بود، وقتی او را دید در چشمش بس بزرگ آمد، پس او را در کنارش نشاند و جام را به او داد: او گفت: ای امیر المؤمنین، گوشت و خونم هرگز آلوده به شراب نشده، متوکل او را عفو کرد و گفت: شعری برای ما بخوان. فرمود: شعر کمی از من روایت شده، متوکل گفت: باید بخوانی پس چنین سرود: "بر بالای کوهها خانه ساختند و مردانی زمخت از آنان نگهبانی کردند، اما این قله ها آنان را بی نیاز ساخت و بعد از آنکه در عزّت قلعه هایشان بودند در حفره هایی پنهان شدند، و چه بد جایگاههایی برگزیدند، بعد از آنکه در قبر قرار داده شوند بر آنان فریاد می زنند، آن خانواده و تاجها و لباسهای نیکو کجا رفت؟ قبرشان را بشکاف و ببین که کرمها بر آن چهره ها می لولند؛ چرا که آنان مدّت زمانی طولانی خوردند و نوشیدند و حال خورده می شوند" آنگاه متوکل گریست و دستور داد بساط شراب را بردارند و او را با احترام به منزلش بازگردانند. او پدر حسن عسکری بن علی الزکی بن محمد الجواد بن علی بن موسی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابیطالب (رضی الله عنهم) و یازدهمین امام از امامان دوازده گانه است. او پدر محمد المنتظر صاحب سرداب است که دوازدهمین امام از امامان دوازده گانه به اعتقاد شیعیان است و آنها می گویند: او در خانه پدرش در سامراء وارد سرداب شد،

در حالی که مادرش منتظر او بود و دیگر به سوی مادرش بازنگشت و در آن زمان نه سال داشت و آن سال دویست و شصت و پنج بود.

اعتقاد به امام بقیة الله (عج)، در طول روزگاران متوالی پیوسته از عقاید ثابت و مورد توافق علمای سنت و دیگر مذاهب بوده و اگر رأی نادری هم پیدا شده که به انکار یا شک در آن برخاسته، علماء و محققان در مقابل آن ایستاده اند زیرا آن را انکار یکی از عقاید ثابت اسلام دانسته اند که با احادیث متواتر از شخص پیامبر (ص) ثابت گشته است.

بهترین مثال در این مورد بحث ابن صدیق مغربی در ردّ سخن ابن خلدون در کتاب "الوهم المکنون من کلام ابن خلدون" در بیش از صد و پنجاه صفحه است که در این کتاب قسمت عمده ای از آرای ائمه حدیث را در صحت احادیث مهدی منتظر و تواتر آن ذکر کرده است، سپس مباحث ابن خلدون را یکی یکی با استناد بر بیست و هشت حدیث معتبری که ذکر می کند، مردود می سازد و احادیث مهدی علیه السلام را با صد حدیث دیگر تکمیل می نماید، هر چند که ابن خلدون اعتقاد به امام مهدی منتظر را به طور جزم نفی ننموده ولی آن را بعید می شمارد و تنها با چند حدیث، مورد مناقشه قرار می دهد، علما او را از موارد نادر در تکذیب این عقیده اسلامی می دانند، عقیده ای که با ذکر آن در احایث فراوان به حدّ تواتر رسیده و صحت آن ثابت شده است. به همین سبب از او انتقاد کرده اند که او یک مورّخ است و نه اهل تخصص در حدیث، و نمی تواند در این مورد جرح یا تعدیل یا اجتهاد روا نماید.

نمونه دوم: کتاب "مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر" و مؤلفش شیخ عبد الله قرشی رئیس محاکم شرعی قطر است که در پی جنبش مسجد الحرام چاپ شد و رهبر این جنبش محمد عبد الله قرشی ادّعا کرد که او مهدی منتظر است. بدنبال چاپ این کتاب علمای حجاز در مقابل عبد الله قرشی ایستادند و ادّعای او را ردّ کردند، از جمله عالم و محدّث شیخ عبد المحسن العباد مدرس دانشگاه اسلامی مدینه منوره که در ضمن بحث جامعی در بیش از پنجاه صفحه به نام "الردّ علی من کذب بالاحادیث الواردة فی المهدیّ (عجل)" به او جواب داده است.

منابع:

- (1) سنن أبی داود: 2 / 309 حدیث 4282، سنن ترمذی: 3 / 343 حدیث 2331 _ 2332، الدر المنثور سیوطی: 6 / 58، کنز العمال: 14 / 264 حدیث 38661..
- (2) سنن أبی داود: 2 / 310 حدیث 4285، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری: 4 / 557، البیان شافعی: 515 باب 19، الفتن ابن حمّاد: 101، و غیر ذلك .
- (3) المستدرک علی الصحیحین: 4 / 558، مسند أحمد: 3 / 37، مجمع الزوائد هیثمی: 7 / 313.
- (4) البداية والنهاية ابن کثیر: 8 / 217، الإصابة ابن حجر: 1 / 371، تاریخ دمشق: 14 / 223
- (5) شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید: 20 / 326، تأریخ بخاری: 2 / 174، تذکرة الحفاظ ذهبی: 3 / 995.
- (6) المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری: 3 / 139.
- (7) مجمع الزوائد هیثمی: 9 / 136، کنز العمال متقی هندی: 13 / 192 حدیث 36571 .
- (8) تاریخ صحیح نزد ما ربیع الثاني است .
- (9) منتخب الأثر فی الإمام المهدی الثاني عشر، علامه شیخ لطف الله صافی : 327، چاپ دوم ، سال 1403 هجریة / 1983 میلادی، چاپ مؤسسه الوفاء ، بیروت/ لبنان .

ترجمه: سلام شيعه

مجاهد منعر الخفاجي